

از ثبت شدن بافت تاریخی شهر یزد باید خوشحال بود یا نگران؟!

حمیدرضا نیکفرجام

کارشناسی ارشد طراحی شهری از دانشگاه علم و صنعت

ثبت شهر نقل مکان کنند. بی ارزش و اعتبار شدن خانه‌های بافت تاریخی به علت پیدانشدن راه‌حلی برای انطباق آن با زندگی مدرن باعث شد تا این بخش تاریخی شهر به حال خود رها شود. اما رها شدن خانه‌ها و تخریب نکردن خانه برای استفاده از زمین آن دلایل فنی نیز دارد. این دلیل را می‌توان در نوع سازه و فرم ساختمان‌های جدید و قدیم جستجو کرد. خانه‌های قدیم شهر یزد با زیرزمین‌های عمیق و سازه‌های گلی، هزینه‌ی بسیاری می‌برند که تخریب و آواربرداری شوند تا بتوان بر روی آن‌ها بنای جدیدی با سازه‌ی فلزی و یا بتنی ایجاد شود و عملاً اقدامی غیر اقتصادی است. علاوه بر خود عمل تخریب (یا به عبارتی صاف کردن) عدم امکان حضور بولدزر و ماشین‌های سنگین در بافت برای تخریب و بیرون بردن نخاله‌های ساختمانی نیز مزید بر علت شده است که ساکنان این ابنیه به جای تخریب، اقدام به خرید زمینی ارزان در خارج شهر نمایند و خانه‌های خود را به حال خود رها کنند. مشکلات فنی تخریب بناهای سنتی هنوز هم حتی حل نشده است. چنان‌که در پارکینگ‌های احداث شده در بافت تاریخی که معمولاً بر روی بناهای قدیمی که صاف شده‌اند احداث شده است، سالانه شاهد فرونشست زمین هستیم.

از طرفی ایجاد چند محله‌ی جدید در خارج از محدوده‌های تاریخی، مانند صفاییه بلوار جمهوری که در حال حاضر جزو بهترین محلات شهر شمرده می‌شوند و قیمت زمین در آن‌ها با سایر نقاط شهر قابل مقایسه نیست، باعث شده تا قشر مرفه و به دنبال آن قشر متوسط و کم درآمد چشم به خارج از شهر بدوزند و به بافت تاریخی به چشم یک مکان بی ارزش بنگرند. این نگاه اجتماعی که طبقات پایین درآمدی در بافت تاریخی زندگی می‌کنند بسیاری را از آن مناطق به بیرون هدایت کرد.

در کنار عوامل ذکر شده، تغییر بعد خانوار نیز یکی از دلایل مهم است. خانه‌های بزرگ بافت عملاً نه برای زندگی یک خانوار ۴-۵ نفره، که برای یک خانواده‌ی بزرگ قابل استفاده است. بزرگ بودن خانه برای خانواده و هزینه‌های مرمتی بالای آن باعث شد تا خانواده‌ها آن بافت را ترک کنند.

با افزایش جمعیت، گسترش شهر به خارج از محدوده‌های تاریخی اش یک امر طبیعی است اما رشد لجام گسیخته و بی برنامه شهر تبعات بسیاری برای شهر و شهروندان به وجود خواهد آورد. گسترش بی رویه و بی برنامه‌ی شهر به خارج از بافت‌های قدیمی اش که در ادبیات

ثبت جهانی یزد به عنوان نخستین شهر تاریخی ایران در فهرست ثبت میراث جهانی یونسکو در عین حال که خبر خوشحال کننده‌ای است اما عجیب هم هست. سابقه‌ی سکونت در سراسر سرزمین ایران بسیار قدیمی تر از آن است که فقط یک شهر ثبت شود. شاهد آن هم ابنیه و تک بناهای بسیار قدیمی و نادری اند که در اقصی نقاط ایران به وفور می‌توان یافت. اما سؤال اینجاست که چرا فقط بافت قدیم یزد دست نخورده باقی مانده و اکنون می‌توانیم شاهد ثبت آن به عنوان یک بافت با ارزش تاریخی باشیم. مگر سایر شهرهای ایران چنین بافت‌هایی را نداشته‌اند؟ چرا در سایر شهرهای ایران این بافت‌ها تخریب شده‌اند ولی بافت تاریخی شهر یزد باقی مانده است؟

دلایل فنی و اقتصادی متعددی برای این پرسشها می‌توان بیان کرد. به نظر می‌رسد شهر یزد، بعد از مواجهه با دوران مدرن، در خارج از مرزهای بافت تاریخی اش شروع به گسترش کرده است. قیمت پایین زمین در بیابان‌های اطراف یزد از جمله مواردی است که به آن دامن می‌زند. با پیشرفت تکنولوژی و ورود زیر ساخت‌های جدید شهری مانند شبکه آبرسانی، برق و راه، و سهولت رساندن این امکانات به مناطق جدید که دارای بافت‌های تقریباً شطرنجی اند، که تمایل مردم به سکونت در این مناطق را بیشتر کرد. اما مگر برای سایر شهرهای کویری اتفاق دیگری افتاده است؟ بله. جواب این سؤال در این است که وابستگی یزد به کشاورزی بسیار کم است و از دیرباز اقتصاد آن را صنعت می‌چرخانده و می‌چرخاند. در سایر شهرها این گسترش به بیرون شهر به سهولت امکان نداشته است. چراکه این پیشرویها مستلزم تخریب مزارع و باغ‌ها بوده است. صنایع قدیم یزد، وابستگی چندانی به بستر ندارند و به راحتی می‌توانند در جای دیگری برپا شوند. چنان‌که در یک نمونه‌ی تاریخی، در دوره‌ی پهلوی، تمامی حناسابی‌ها و عصارای‌ها به علت آلودگی‌هایی که ایجاد می‌کردند از درون بافت جمع می‌شوند و به صورت منسجم در نقطه‌ای در خارج از محدوده‌ی شهری برپا می‌شوند که می‌توان آن را معادل شهرک‌های صنعتی کنونی قلمداد کرد. (تصاویر شماره‌ی ۱)

گسترش بی رویه و بی برنامه‌ی شهر به خارج از بافت‌های قدیمش و بالا رفتن قیمت آن به دلیل امکانات شهری ای که می‌توانست پذیرای آن باشد، مانند سهولت ورود اتومبیل، امکانات زیرساختی، فضای سبز و... که همگی ظواهر زندگی مدرن اند، باعث شد تا تقریباً تمامی افرادی که تمکن مالی دارند از بافت تاریخی خارج شوند و به بیرون از





تصویر شماره ۱: محدوده‌ی مازاری‌های منتقل شده به بافت جدید شهر در مجاورت بلوارها و خیابان‌های عمیق؛ منبع: نگارنده



تصویر شماره ۲: نمونه‌ای از گذر سرپوشیده‌ی تاریخی (بازارچه‌ی محله‌ی کوشکخو) و کوچه‌ی پهن و بی‌درخت بافت جدید

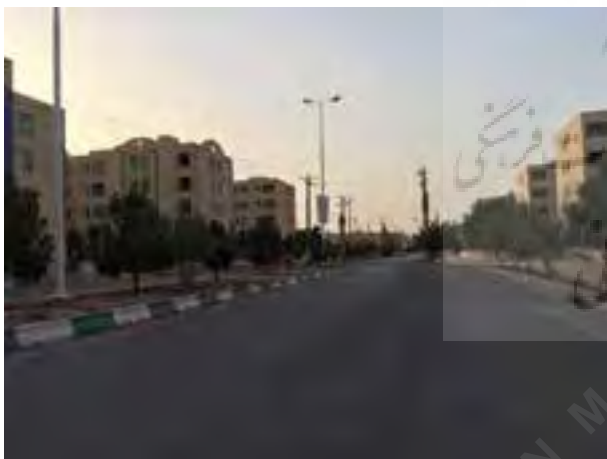
در فضای شهری را به شدت تحت الشعاع قرار می‌دهد و استفاده از اتومبیل را دامن می‌زند. چه می‌شود که ما از بازارهای سرپوشیده با شرایط نسبتاً مناسب تهویه، به خیابان‌های فراخی می‌رسیم که درختان آن به زور در این شرایط کم‌آبی اندک سایه‌ای را تأمین می‌کنند. اینکه در بافت تاریخی شهر یزد بدون استفاده از قطره‌ای آب برای کاشت درخت توانسته‌اند آسایش اقلیمی آن را تأمین کنند، در مقابل خیابان‌هایی که با صرف آب بسیار برای کاشت درخت نتوانسته‌اند حداقلی از آسایش را فراهم کنند واقعاً قابل تأمل است. آبی که می‌تواند به جای صرف شدن برای درختان خیابان‌ها که فقط اتومبیل از آن عبور می‌کند، در فضاهای سبز منسجم برای استفاده شهروندان استفاده شود. (تصاویر شماره ۲ و ۳)

دروغ نیست اگر بگوییم در شهری مانند یزد (و بسیاری از شهرهای کوچک ایران)، تقریباً به تعداد افراد خانواده وسیله‌ی نقلیه‌ی موتوری وجود دارد. گستردگی شهر، معابر بدون امکانات و آسایش اقلیمی، ضعف حمل‌ونقل عمومی و برنامه‌ریزی‌های نادرست شهری دلایل همین استفاده‌ی بی‌رویه از وسایل نقلیه‌ی موتوری‌اند. این گسترش به اندازه‌ای است که به گفته‌ی دکتر گلکار، در طی یک دوره‌ی سی ساله (۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵) با آنکه جمعیت یزد سه و نیم برابر شده اما گسترش کالبدی آن ۱۲ و نیم برابر شده است!! (منبع: کوروش گلکار، آفرینش مکان پایدار، ص ۱۵۶)

شهرسازی از آن به عنوان "پراکنده‌رویی شهری"^{۱۱} یاد می‌شود مشکلات بسیاری را با خود به همراه می‌آورد که اکنون گریبان شهرهای ایران و از جمله شهر یزد را گرفته است. گسترش‌های کم‌تراکم و بی‌برنامه، حمل‌ونقل عمومی شهر را بی‌مصرف می‌کند، استفاده از وسایل نقلیه‌ی موتوری شخصی را افزایش می‌دهد، آلودگی و ترافیک با خود به همراه می‌آورد، هزینه‌های نگهداری و تجهیز زیرساخت‌های شهری را به شدت بالا می‌برد. در چنین شرایطی درآمدهای شهرداری به ساخت راه، احداث زیرگذرها و روگذرها و تأمین زیرساخت‌های خدماتی به نقاط دور دست شهر می‌شود. هزینه‌هایی که می‌توانست به تجهیز معابر برای پیاده مدار شدن آن‌ها و تأمین امکانات رفاهی و تفریحی برای شهروندان شود.

در شهر بیابانی‌ای مانند یزد که آب به معنای واقعی آن حیات‌بخش است، هدر رفت آب به علت طول زیاد لوله‌کشی‌ها بسیار زیاد (شاید چیزی در حدود ۳۰٪) است. در شهری مثل یزد که محصوریت برای بهره بردن از نعمت سایه لازم است، گسترش‌های کم‌تراکم عملاً بدون هیچ توجهی به آن در پی ایجاد خیابان‌های فراخ و دلباز برای عبور سهل‌تر اتومبیل‌های گران‌قیمت می‌باشند. در دنیایی که برنامه‌ریزی‌های شهری به سمت پیاده مدار شدن شهرها و اصول پایداری پیش می‌رود این اتفاقات اسف‌بار است. نبود آسایش اقلیمی در معابر حضور مردم

1- Urban sprawl



تصویر شماره ۳: مسیرهای تردد روزانه مردم در گذشته و امروز

داشته‌هایمان را بهتر به خودمان بشناساند و پله‌ای باشد برای ارتقا دانش‌ها و فناوری‌های بومی. این اتفاق خوشایند اگر چه معلول بی‌انطباقی‌های نظام مدیریتی است، اما از تلاش بی‌وقفه‌ی کسانی است که در تهیه و تولید این مستندات اهتمام ورزیده‌اند و توانستند این کار بزرگ را انجام دهند، نباید غافل بود. اکنون شهر تاریخی و جهانی یزد می‌تواند چگونه زیستن در کویر را دوباره به ما یاد دهد و این فرصت را برای محققان و پژوهشگران فراهم کند که آن را بشناسند و برای حل مشکلات زندگی در آن اهتمام ورزند. ■

خلاصه‌ی کلام، آنچه شهر تاریخی یزد را از خطر تخریب مصون نگه داشته است در وهله‌ی نخست شاید بیماری پراکنده رویی شهری باشد. نگرانی آنجایی موضوعیت پیدا میکند که این روند گسترش شهرها و روستاها ادامه دارد و نظام مدیریت شهری متأسفانه هنوز با نگاه سودجویانه خود به این موضوع دامن می‌زند. نگران و ناراحت باید بود که از بافت‌های تاریخی مان در سایر شهرها و روستاها غافل بوده‌ایم. اما خوشحالیم که هنوز بسیاری شهر و روستاهای تاریخی که هنوز بافت‌های قدیمشان باقی مانده‌اند و این اتفاق می‌تواند سرآغاز هوشیاری و خودباوری ما باشد. هوشیاری و خودباوری‌ای که می‌تواند

